

یادداشت

مردم نه تحمل سختی های بیشتر را دارند و نه تحمل حکومت شما را!

صادق کار



آن نیروپی که می تواند راه را بر این روند ارتجاعی و ضد مردمی ببندد و کشور را بسوی تحول دمکراتیک و مردمی کم هزینه هدایت کند جنبشها و نهادهای مدنی سازمانیافته، با برنامه و قابل مدیریت هستند، بهمین جهت تلاش باید کرد راه کارهای عملی و کارآمدی برای سازماندهی اعتراضات مختلف و هم راستا کردن آنها پیدا کرد.

اعتراض مردم به گرانی و تورم لگام گسیخته از هر سو بلند است و روز به روز با مشاهده افزایش قیمت کالاهای دیگری که به صورت رسمی و غیر رسمی جریان دارد اعتراضات نیز پا به پای گرانی هایی که خارج از تحمل مردم است بیشتر میشود.

کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و کادر درمانی، کارکنان دولت و به یک معنی همه مزد و حقوق بگیران در بخشهای دولتی و خصوصی نسبت به عدم تناسب میان دستمزد و حقوقی که می گیرند با هزینه های فزاینده زندگی ناراضی و معترض و به واقع در موقعیت انفجاری قرار دارند. تنها مزد و حقوق بگیران نیستند که در موقعیت انفجاری قرار دارند، میلیونها نفر دیگر از مردم که بواسطه بیکاری، حاشیه نشینی وضعیت به مراتب بدتری از مزد و حقوق بگیران دارند و حتی شمار



بزرگی از صاحبان مشاغل خصوصی خرد و متوسط که از لحاظ درآمد موقعیت بهتری دارند بخاطر اینکه آینده کار و کسب خود را نامطمئن می بینند هم به شدت از اوضاع فعلی و روند آن نگران و معترض اند. حضور گروه هایی که معرف ترکیب متنوع معترضین در اعتراضات خیابانی هستند بازتابی از این واقعیت هستند.

در چنین اوضاع و احوالی باز هم مقامات دولتی وعده ی سختی های بیشتر می دهند و مردم را با دادن وعده های کاذب تازه به تحمل سختیهای بیشتر در آینده ای نامعلوم فرا می خوانند. در همان حال رئیسی صحبت از محرومیت زدایی در بودجه امسال دولت می کند و وعده عدالت هم می دهد!

اما زمانی که مردم به رفتار و اظهارات و برنامه ها و وعده های به فراموشی سپرده ی وی نگاه می کنند به سهولت در می یابند که نه تنها اثر و نشانی از محرومیت زدایی و عدالت در آنها دیده نمی شود، بلکه پی می برد بار عمده هزینه سنگین همه سختی های وعده داده شده و سیاست شوک درمانی اش را نیز با افزایش قیمتها و برداشتن سوبسیدها و منجمد نگاه داشتن دستمزدها بر دوش محرومین قرار داده است.

رئیس هیئت مدیره گذشته در کنفرانسی که برای تسهیل واگذاری ته مانده اموال عمومی به بخش خصوصی (که کسانی به غیر از امثال حسین عبدالباقی ها) و شرکای حکومتی آنان نیستند برگزار شد، با سخنان صریحی جهت گیری اقتصادی و طبقاتی واقعی حکومت را که چندان هم ناشناخته نبود مورد تاکید قرار داد و نشان داد که دولت او در واقع برنامه اقتصادی - اجتماعی دیگری به غیر از آنچه نزدیک به چهار دهه است در ایران توسط دولت های پیشین به اجرا گذاشته شده و وضعیت بحرانی کنونی عمدتاً نتیجه آن است ندارد.

برای آنهایی که تأثیرات مخرب و فلاکت آور برنامه های الهام گرفته دولت های گذشته از صندوق بین المللی پول و نئولیبرالیسم اقتصادی روی زندگی شان را با پوست و گوشت لمس کرده و تاوان آن را از گرده شان کشیده اند، روشن است که ادامه و تسریع آن توسط دولت رئیسی نه تنها حامل هیچ عدالتی نیست بلکه به بی عدالتی و فقر و فلاکت آنان بیش از پیش خواهد افزود بهمین جهت فریب آن را نخواهند خورد.

مگر نه این است که متروکه شدن بخش تولید، بیکاری چند میلیونی، سقوط سطح زندگی مزدبگیران و تهی دستان شهری و روستایی، از بین رفتن قوانین رفاهی، از دست رفتن امنیت شغلی و شان و منزلت اجتماعی و انسانی زحمتکشان، محروم شدن میلیونها کودک از تحصیل، گران شدن دارو و درمان و سقوط سطح زندگی بالغ بر دوسوم جمعیت کشور به زیر خط و ایجاد شکاف طبقاتی بی سابقه، همه از نتایج سیاست خصوصی سازی بوده اند؟ عجیب است با این سابقه یکی دوباره ادعا کند می خواهد با همان نسخه بیمار کش بیماری های را که نتیجه و محصول آن هستند را درمان کرده و محرومیت زدایی کند و انتظار داشته باشد کسی آن را باور کند! مردم نه تحمل سختی های از این بیشتر را دارند و نه تحمل حکومت شما را، لطف کنید شرتان را از سر مردم کمک کنید و بگذارید مردم خودشان چاره ای برای برداشتن این همه مصیبت و فلاکت که طی ۴۴ سال روی دوش شان گذاشته اید بیندیشند.

می خواهند زیر عنوان کاذب "اقتصاد مقاومتی" اجرای برنامه شکست خورده رفسنجانی را ادامه و تسریع نمایند. پیداست که برنده اصلی سیاست آزادسازی و خصوصی سازی مد نظر حکومت همان هایی هستند که دست بالا را در همه ارگانهای قدرت دارند. آن لیبرالهای خوش خیالی که برای "دفاع تمام قد رئیسی از خصوصی سازی" هورا کشیدند، اگر تصور می کنند سهم دندان گیری



از این خصوصی سازی نصیب آنان خواهد شد، بزودی در خواهند یافت که بی جهت ذوق زده شده‌اند. سهم اصلی از آن همانهایی است که بر شرکت پر سود مخابرات و صدها موسسه کلان پر سود دیگر بدون کوچکترین مزاحمتی چنگ انداختند.

خصوصی سازی بهانه‌ای بیش برای رفع موانع تسلط حقوقی همین جماعت همه کاره مملکت بر اموال عمومی که دست بالا را هم در قدرت سیاسی و هم اقتصادی پیدا کرده نیست. یکی از وظایف مهم و ماموریت‌های دولت رئیسی نیز چیزی غیر از رفع موانع این انتقال نیست. وظیفه شکستن مقاومت در برابر این انتقال را هم خود سرداران سپاه با کمک سازمان های اطلاعاتی و نیروهای سرکوبگر دیگری همچون بسیج و غیره که بر آنها فرمانروایی می کنند به عهده دارند و مشغول انجام آن هستند.

سرکوب خونین و وحشیانه خیزشهای دی ۹۶ و آبان ۹۸ توسط سپاه و دیگر اعتراضات مردمی و نهادهای مدنی و سندیکایی هم در خدمت این انتقال قرار دارد. چرا که کارگردانان این پروژه خوب می دانند، با وجود تشکلهای سندیکایی و مدنی و آزادی مطبوعات نمی توانند به هدف شان برسند. پرونده سازی و زدن اتهامات سخیف و جعلی به رهبران تشکلهای مستقل کارگران و معلمان و روزنامه نگاران و صدور احکام سنگین برای در بند نگاه داشتن آنان از همین روست که انجام می گیرد. سیاست خصوصی سازی تنها حقوق و منافع زحمتکشان را تضعیف نمی کند، منافع همه مردم به استثنای لایه های نازک بالایی جامعه را نیز تضعیف می کند. حذف سوبسیدها و افزایش قیمتها و گران کردن هزینه‌های دارو و درمان در واقع بخشی از سیاست خصوصی سازی است که به غیر از مزدبگیران گروه‌های وسیعی از مردم را تضعیف می کند و هزینه های آنان را نیز بالا می برد.

آن نیرویی که می تواند راه را بر این روند ارتجاعی و ضد مردمی ببندد و کشور را بسوی تحول دمکراتیک و مردمی کم هزینه هدایت کند جنبشها و نهادهای مدنی سازمانیافته، با برنامه و قابل مدیریت هستند، بهمین جهت تلاش باید کرد راه کارهای عملی و کارآمدی برای سازماندهی اعتراضات مختلف و هم راستا کردن آنها پیدا کرد. مطالبات و ماهیت خواسته های اکثر شرکت کنندگان اعتراضات چه آنهایی که توسط کارگران و معلمان و سایر مزد بگیران برای افزایش دستمزد و وعلیه خصوصی سازی صورت می گیرند و چه آنهایی که توسط مردم علیه گرانی و فساد و استبداد انجام می شوند یکی است. بهمین خاطر هم راستا کردن اعتراضات هم ممکن و هم ضروری است، بدون انجام چنین اقداماتی اعتراضات مردمی خود بخودی به نتیجه مطلوب نمی رسند

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!

نه به حذف سوبسیدها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد متناسب با هزینه‌های واقعی زندگی حمایت کنیم!



برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریهها و تجربیات عملی بخش پنجم

فاضل کیوب



رن و میدنر، واضعان مدل سوئدی اشتغال کامل

دل سوئد نشان داد راهی وجود دارد که بتوان به ثبات قیمتها دست یافت بی آن که بیکاری را به عنوان یک اقدام اصولی علیه کار، مورد استغاده قرار داد. این و (Rehn) مدل پس از جنگ جهانی دوم توسط دو اقتصاددان اتحادیه ای، رن ، تدبیر شد. آنها بر دو عنصر اساسی به عنوان شاخصهای (Meidner) میدنر اقتصاد سوئد در بیشتر از 4 دهه انگشت می گذاشتند: 1) چانه زنی فوق العاده متمرکز روی دستمزدها، و 2) سیاستهای فعال [دولت] ناظر بر بازار کار. مدل سوئدی بر "سوسیالیزه کردن سرمایه داری" متمرکز داشت و با تأکید بر "حق کار" به جای "حق درآمد"، بدیلی عملی برای رفاه گرایی ارائه می داد.

تئوری مالیه کارکردی

مهمترین سهم آبا لرنر (Abba Lerner) در ادبیات مربوط به تضمین اشتغال اصل "مالیه کارکردی" است که او در برابر دیدگاه ارتدوکسی "مالیه صوری" پیش کشید. بنا به تصریح لرنر: "ایده مرکزی این است که سیاست مالی حکومت، هزینه ها و مالیاتهای آن، دیون و بازپرداخت حقوق توسط آن، انتشار پول جدید و خارج کردن پول، همه و همه، باید فقط با نظرداشت به اثرات این اقدامات روی اقتصاد انجام شوند و نه با ملاحظه دکتربینهای سنتی جاافتاده که در این موارد به جاروجنجال برمی خیزند یا، درست برعکس، سکوت می کنند."

از این منظر کارکردی به سیاست مالی، "پول مخلوق دولت است". پول هنگامی خلق می شود که دولت هزینه می کند، و نابود می شود هنگامی که دولت مالیات می گیرد. حکومت نیازی ندارد که پولی را که خود خلق می کند، از مردم "وام بگیرد"، بلکه دولت "وام می گیرد" تا پول را از سیستم مالی خارج کند و امکان بدیل سودآوری را در اختیار پس- اندازکنندگان قرار دهد.



به همین سیاق دولت نیازی ندارد که از مردم مالیات بگیرد تا هزینه هایش را تأمین کند، بلکه دولت نیازمند آن است که مردم برای پول اش ارزش قائل شوند. بنابراین هیچ محدودیت مالی ای نمی تواند بر چاپ کننده انحصاری پول (یعنی دولت) وجود داشته باشد. یک دولت مستقل علی القاعده می تواند هر چیزی را قابل پذیرش کند و مادام که آن دولت "خود پذیرای آن چیز برای پرداخت مالیاتها و دیگر تعهدات به خودش باشد، آن را پول بنامد." از این منظر تمام نگرانیها در باره کسری بودجه و دیون ملی، در قیاس و در پرتو کارکرد، که همانا تأمین بودجه برای اشتغال کامل است، بی معنا خواهند شد. کارفرمای آخرین راه حل در واقع پرداخت کننده آخرین راه حل خواهد بود، که مسئولیت اش حفظ کل پرداختها در اقتصاد است به نحوی که "این کل نه کمتر و نه بیشتر از میزانی باشد که با قیمت‌های فعلی، بتوان تمام کالاها و خدمات را که تولیدشان ممکن است، خرید. اگر میزان پرداختها زیاده از اندازه مذکور باشد، تورم ایجاد خواهد شد و اگر کمتر از آن باشد، نتیجه بیکاری خواهد بود."

این رویکرد، که می توان آن را رویکرد "پول بر بنیان مالیات" نامید، سنگ بنای اغلب پیشنهادهایی است که برای تضمین اشتغال از طریق دولت به عنوان استخدام کننده آخر داده شده اند. این رویکرد توسط لوئی ف. روچون (Louis-Ph. Rochon) و ماتیاس ورننگو (Matias Vernengo) مورد نقد قرار گرفته است. آنها بر این نظر اند که دولت فقط اعتبار پول، و نه ارزش آن، را تثبیت می کند و نیز این که پول بانکی بر پول دولتی تقدم دارد. دلیل آنها این است که وقتی دولت ضعیف است و نمی تواند دست به جمع آوری مالیات بزند، بانکها هنوز می توانند از طریق وام برای تأمین مالی استخدام کارگران برای تولید بیشتر، پول خلق کنند. پول از آن رو در اقتصاد استفاده و پذیرفته می شود که کارگران می خواهند از آن برای خرید تولیدات استفاده کنند و شرکتها آن را می پذیرند، زیرا می خواهند با آن، وامی را که از بانکها گرفته اند پس بدهند. از این رو ارزش پول بر اساس تعامل بین میزان کالاهای جدید و مقدار پولی تعیین می شود که شرکتها برای تولید این کالاها به کارگران می پردازند.

اگرچه مطمئناً این یک سناریوی معتبر است، اما تعارضی با رویکرد "پول بر بنیان مالیات" ندارد. این نقد صرفاً نشان می دهد /توریتیه/ ای که کنترل خلق پول و نابودی آن را در اختیار دارد، به آن ارزش می دهد و پذیرش عمومی آن را میسر می سازد، می تواند دولت باشد، یا سیستم بانکی، یا مقامات مذهبی، ارتش، یا حتی مافیا. فقدان استقلال دولت، در معنای وسیع، موجب خلأیی می شود که اجازه می دهد دیگر اتوریتیه ها یا به میدان بگذارند و روند کنترل پول را در دست گیرند.

مدل سوئدی اشتغال کامل

مدل سوئد نشان داد راهی وجود دارد که بتوان به ثبات قیمت‌ها دست یافت بی آن که بیکاری را به عنوان یک اقدام اصولی علیه کار، مورد استفاده قرار داد. این مدل پس از جنگ جهانی دوم توسط دو اقتصاددان اتحادیه ای، رن (Rehn) و میدنر (Meidner)، تدبیر شد. آنها بر دو عنصر اساسی به عنوان شاخصهای اقتصاد سوئد در بیشتر از ۴ دهه انگشت می گذاشتند: (1) چانه زنی فوق العاده متمرکز روی دستمزدها، و (2) سیاستهای فعال [دولت] ناظر بر بازار کار. مدل سوئدی بر "سوسیالیزه کردن سرمایه داری" تمرکز داشت و با تأکید بر "حق کار" به جای "حق درآمد"، بدیلی عملی برای رفاه گرایی ارائه می داد.

اتحاد، همبستگی، تشکل ضامن پیروزی است!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری حمایت کنیم!

از مبارزات کارگران و مزد بگیران علیه قراردادهای موقت و پیمانی حمایت کنیم!



مبارزه برای آزادی معلمان و کارگران و زندانیان سیاسی ادامه خواهد یافت!
صادق



در ماه های اخیر بساط بگیر و ببند فعالین کارگری بازهم پهن تر شده است. بعد از یورشهای پیاپی به خانه های رهبران و فعالین شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و بازداشت ده ها تن از آنان نوبت یورشهای دزدانه شبانه به خانه رهبران سندیکایی رسید و در جریان آن حداقل سه تن از آنان بازداشت شدند. وحید فریدونی نیز در هنگام اعتصاب دو روزه رانندگان شرکت واحد در ۲۶ اردیبهشت به همراه ده ها نفر دیگر بازداشت شد که او هم هنوز آزاد نشده است.

از میان بیش از ۷۰ نفر معلمی که در یک ماه اخیر بازداشت شده اند، هنوز حداقل ۲۶ نفر در زندان هستند. به غیر از این ها دو سندیکالیست فرانسوی عضو یکی از سندیکاهای معلمان فرانسه هم در زندان هستند که به جرم دیدار و گفتگو با چهار تن از رهبران معلمان و سندیکای واحد دستگیر و متهم به جاسوسی شده اند. جاسوسی برای که و برای چه معلوم نیست! مگر رضا شهبابی، رسول بدایقی و دو فعال دیگر عضو شورای همانگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در کدام نهاد و مرکز حساس کشور کار می کرده اند که دسترسی به اسناد محرمانه داشته باشند و بتوانند آن را در اختیار دیگری قرار دهند که بشود به جاسوسی متهم شان کرد؟

رضا شهبابی که پس از تحمل ۶ سال زندان و از دست دادن نیمی از سلامتی اش از کار اخراج و به او کار نمی دادند که بتواند نان خانواده اش را در بیاورد، رسول بدایقی پس از تحمل ۷ سال زندان از کار اخراج و وضعیت مشابه ای با شهبابی داشته است. آن دو رفیق بازداشتی دیگر شان که در مدرسه معلم بوده اند چیزی در مدرسه که به درد جاسوسی بخورد دم دست شان نبوده است. نهایتاً برای اینکه یک توجیحی برای محاکمه آنان داشته اند، گفته اند با همکاری دو سندیکالیست فرانسوی قصد راه انداختن اعتراض داشته اند و گویا از طرف دولت فرانسه ماموریتی داشته اند. البته نام فرانسه را روی شان نشده همه جا بیاورند. این اتهامات سراپا مضحک است و سبب ریشخند آنان شده است. بهر حال استعداد و توانایی این حضرات بیش از این نیست. تنها چند روز بعد از این "جاسوس گیری" یک سرهنگ امنیتی آنان را که وجودش از دستگاه های اطلاعاتی خودشان هم پنهان بود و گفته می شود فقط فرمانده سپاه قدس هویت او را می دانست در وسط روز روشن کشته شد و تروریست های ضارب بدون اینکه شناسایی شوند فلنگ



را بستند و رفتند. این ها به جای آنکه دنبال آنان باشند، خودشان را با پرونده سازی های ابلهانه سر کار گذاشته‌اند.

وزارت اطلاعات اما هر جا که نتواند اتهامی برای تشکیل پرونده و محاکمه کسی پیدا کند خودش برایش اتهام ابداع می کند. اتهامات هم بستگی به نوع و مدت مجازاتی دارد که پیشاپیش برای سوژه مورد نظرش در نظر گرفته. اول طرف را دستگیر می کند سپس برای او اتهام و قبل از تشکیل دادگاه مدت زندان را هم تعیین می کند. افراد زیادی از زندانیان گفته‌اند که کار قاضی و دادگاه تأیید جرم و مدت مجازاتی است که بازجو برایشان در نظر داشته‌اند و پیش از دادگاه مدت محکومیت زندانی را نیز به او گفته‌اند.

بله مضحک است اما واقعیت دارد. سر چند انسان بیگناه توسط بازجویان پا منبری بر سر دار رفته و چند صد نفر با اتهامات جعلی بازجوها سالهای زیادی از عمرشان را در زندانها گذرانده‌اند معلوم نیست. ولی حداقل تعداد زیادی از آنان را با نام و نشان می شناسیم. بازداشتها هم با انگیزه‌های مختلفی انجام می شود و به همان نسبت که متهم از پذیرفتن اتهاماتی که به وی نسبت داده‌اند سرسختی نشان می دهد، فشار و سختگیری و اعمال شکنجه بر وی بیشتر می شود. در هر حال مقصود گرفتن اقرار از زندانی است. وای به حال زندانیانی که حاضر به پذیرش اتهامات ناروایی که به آنان زده‌اند نزنند. در آن صورت بازجوها از هیچ عمل غیر انسانی برای گرفتن اقرار خودداری نمی کنند. اینها همه مواردی هستند که توسط زندانیان پس از آزادی نوشته شده و مسند هستند. بهمین جهت الان خیلی ها نگران سلامت زندانیان خصوصا ۶ نفری که به جاسوسی متهم شده‌اند هستند که نکند برای گرفتن اقرار به اعمال ناکرده آنان را زیر فشار شدید قرار دهند. نگرانی وقتی بیشتر می شود که می دانیم افراد ایرانی پرونده بخصوص شهابی و بدای در اثر مقاومتی که در دوره بازداشت‌های پیشین داشته‌اند در مقابل بازجوها سرسختی نشان داده‌اند و به سبب آن شهابی نیمی از سلامتی اش را از دست داده است.

البته اعتراضات اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف که پیگیر پرونده این ۶ تن هستند و کشاندن موضوع این دستگیری ها به اجلاس سالانه آی ال او در ژنو که به زودی تشکیل خواهد شد، شاید زندانبانان را بر آن دارد که با زندانیان رفتار ملایمتری در پیش بگیرند. اما مقصود از پرونده سازی چیست؟

تا آنجا که به چهار فعال سندیکایی ایرانی مر بوط می شود هدف از بازداشت و پرونده سازی برای آنان و همچنین سایر کسانی که در زندان هستند، ضربه زدن به شورای هماهنگی و سندیکای واحد به منظور اخلال در فعالیت های آنان است. افرادی که دستگیر شده‌اند از رهبران مبارز و مقاوم و مورد اعتماد و احترام معلمان و کارگران و همچنین میلیونها ایرانی هستند. ماموران ابله اطلاعاتی که برنامه ریز و مجری این بازداشتها و توطئه های کثیف و مندرسی هستند تصور می کنند می توانند با این گونه اقدامات مقام و شان اجتماعی این انسانهای شریف را نزد افکار عمومی خدشه دار کنند. گویی سرکوب وحشیانه جنبش معلمان و نتایج آن را که سبب رشد و محبوبیت رهبران تشکلهای معلمان و گسترش نفوذ این تشکلهای در میان معلمان و سایر گروه‌های مردمی شد را از یاد برده‌اند.

جنبش معلمان یک جنبش دمکراتیک اجتماعی ریشه دار مردمی، عدالتخواه و محبوب در جامعه است. جنبشی با خواسته هایی به حق و عادلانه و مشی مبارزاتی مدنی و بر خوردار از رهبری مبارز و مقاوم و معقول و پیگیر حقوق اعضای خود و دانش آموزان که با اعمال سرکوبگرانه کسی قادر به از بین بردن آن نیست. رهبران آن را می توانید در زندان نگاه دارید، ولی خود جنبش را نمی توانید به بند بکشید و مانع فعالیت و پویایی آن شوید. مبارزه برای آزادی معلمان و کارگران زندانی تا آزادی آنان ادامه خواهد یافت!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



در شب سوم حادثه خشم و غضب مردم که بخاطر احترام به قربانیان فاجعه و خانواده های عزادار در سینه ها حبس شده بود بیرون ریخت و به اعتراضی ضد دولتی با شعارهای تند علیه خامنه‌ای، رئیسی و دیگر کارگزاران حکومتی تبدیل شد. اعتراضی چنان بزرگ و کوبنده که ماموران ضد شورش هم جرات در گیر شدن با مردم خشمگین را پیدا نکردند. لحظاتی بعد از آن مردم شهرهای خرمشهر، بهبهان، بندر عباس، شاهین شهر و اصفهان نیز با بر پایی تظاهرات خیابانی همبستگی و حمایت خود از مردم آبادان را اعلام کردند

جان باختن و مصدوم شدن ده ها نفر از مردم در اثر فاجعه آبادان

مهمترین رویداد کارگری این هفته فاجعه فروریختن برج متروپل واقع در خیابان امیری آبادان در دوم خرداد بود که در اثر آن ده‌ها کارگر و مردمی که در داخل ساختمان بودند زیر آور کشته و یا مصدوم شدند. علت فروریختن برج آنچنان که تا کنون گفته شده رعایت نکردن اصول ایمنی و استاندارد ساخت و ساز توسط مالک و پیمانکار و چشم فروستن آگاهانه مسئولین مختلف نهادهای حکومتی و تبانی و زد و بند رانتی و مالی کارگزاران محلی حکومت با مالک مولتی میلیاردر برج حاج حسین عبدالباقی بوده است. اسناد و شواهدی که از روابط ویژه عبدالباقی با کارگزاران حکومتی در روزهای پس از فاجعه منتشر شده‌اند تردیدی در مورد وجود چنین روابطی که کشته و مجروح شدن ده‌ها نفر از مردم بیگناه تنها یکی از پیامدهای آن است باقی نمی‌گذارد. بی جهت نیست که مقامات دولتی و صدا و سیما فقهاتی تلاش می‌کنند با دروغگویی و انتشار اطلاعات نادرست و سانسور خبرها سرو ته قضیه را بهم بیآورند و نگذارند مردم به علل



واقعی فاجعه که همانا استبداد و فساد ساختاری و تسلط سرمایه داری رانتخوار و دلال در حکومت فقهاتی است پی ببرند.

در شب سوم حادثه خشم و غضب مردم که بخاطر احترام به قربانیان فاجعه و خانواده های عزادار در سینه ها حبس شده بود بیرون ریخت و به اعتراضی ضد دولتی با شعارهای تند علیه خامنه‌ای، رئیسی و دیگر کارگزاران حکومتی تبدیل شد. اعتراضی چنان بزرگ و کوبنده بود که ماموران ضد شورش هم جرات در گیر شدن با مردم خشمگین را پیدا نکردند. لحظاتی بعد از آن مردم شهرهای خرمشهر، بهبهان، بندر عباس، شاهین شهر و اصفهان نیز با برپایی تظاهرات خیابانی همبستگی و حمایت خود از مردم آبادان را اعلام کردند. همین اعتراضات بود که خامنه‌ای را مجبور کرد سکوت سه روزه خود را بشکند و پیام تسلیتی را که قبلا تمایلی به دادن آن نداشت منتشر کند.

اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان برای همدردی با مردم داغدار آبادان

گزارش کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت را ببینید

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت مراتب تسلیت و همدردی خود را به خانواده های جانبازان ساختمان متروپل اعلام داشته و خود را با اعتراضات مردم خشمگین این شهر به بساط مافیایی حاکم که آفریننده چنین فجایعی است همراه میداند.

در واکنش به این فاجعه همکاران ما در پالایشگاه و پتروشیمی آبادان طی بیانیه ای تصویری اعلام کرده اند که در اعتراض به فاجعه متروپل و ابراز همدردی با خانواده های جانبازان اعتصاب خود را آغاز خواهند کرد.

در همین راستا امروز بعد از ظهر در شهر تجمعی خواهند داشت و اعتصاب خود را رسماً اعلام خواهند کرد.

شورای سازماندهی با حمایت از این اقدام همکاران در پتروشیمی و پالایشگاه آبادان و خواستهای اعلام شده در بیانیه اعتراضی آنها همه همکاران در مراکز نفتی را به پیوستن به این اعتصاب و ابراز خشم و نفرت خود به آنچه در آبادان اتفاق افتاده فرا میخواند. از نظر ما مردم، بساط مافیایی سرمایه داری حاکم و حمایتهای حکومتی از افراد چون عبدالباقی مالک ساختمان متروپل، عامل اصلی چنین فجایعی است.

مسبب این جنایت آشکار باید محاکمه شوند.

ادامه اعتصاب و اعتراض برای افزایش دستمزد

اعتصاب و اعتراض برای افزایش دستمزد و علیه افزایش ۱۰ درصدی دستمزد و حقوق کارگران موسسات دولتی همچنان در گوشه و کنار کشور ادامه دارد. رانندگان و کارگران شرکت واحد هفته گذشته با برگزاری یک اعتصاب دوازده روزه پر قدرت و متحدانه توانستند ۴۰ درصد به دستمزد هایشان بیفزایند. گرچه این مبلغ فعلاً به عنوان علی الحساب به آنان پرداخت شده با این حال پس گرفتن آن توسط شهرداری آسان نیست و اگر هم بخواهند آن را پس بگیرند کارگران قطعاً با کنش لازم به آن برخورد خواهند کرد.

۲۹ نفر از بازداشتی های اعتصاب شرکت واحد آزاد شدند

۲۹ نفر از ۳۰ نفری که بخاطر شرکت فعال در اعتصاب زندانی شده بودند را در اثر اعتراض کارگران به بازداشت آنان مجبور شدند آزاد کنند و تنها وحید فریدونی را هنوز آزاد نکرده اند که با تداوم اعتراضات و اقدامات دیگر مجبور خواهند شد ایشان را نیز آزاد کنند.



بله کارگران توانستند با یک اعتصاب ۴۰ درصد دستمزد شان را بهبود بدهند. اگر اعتصاب نمی کردند محال بود همین مقدار را بگیرند. اعتصاب ثمر بخش و موثر است، حتی اگر سرکوب شود و به ظاهر بی نتیجه بماند، کارفرما و دولت را محتاط می کند و امکان اقدامات ضد کارگری بعدی شان را کم می کند.

اعتصاب و اعتراض در شرکتهای پیمانکاری نفتی ادامه دارد

بنا به گزارشاتی که در کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگری در این هفته منتشر شد، مبارزه کارگران این شرکتها برای افزایش دستمزد و چند مطالبه دیگر ادامه دارد.

سه گزارش از اعتراضات هفته اخیر به نقل از کانال کارگران را ببینید:
گزارش اول:

امروز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت همکاران قرارداد موقت در شرکت های بهره برداری کارون؛ مارون و آجاری در اعتراض به افزایش ده درصدی دستمزدها دست به اعتراض زدند.
این چندمین تجمع اعتراض آنها در روزهای گذشته است

در اهواز تجمع همکاران مقابل ساختمان مناطق نفتخیز جنوب و در آجاری مقابل شرکت بهره برداری نفت و گاز برگزار شد.
گزارش دوم:

تجمع کارگران قرارداد موقت صنعت نفت با خواست تعیین وضعیت شغلی و افزایش دستمزد .
کارکنان قرارداد موقت صنعت نفت امروز شنبه سی و یکم اردیبهشت ماه در اعتراض به امتناع وزارت نفت از افزایش دستمزد به میزان مصوب وزارت کار، و با خواست تعیین وضعیت شغلی خود، مقابل ساختمان مرکزی این وزارت خانه تجمع کردند.
گزارش سوم:

نیروهای قرارداد موقت و معین نفت در ادامه اعتراضات قبلی، چهارشنبه چهارم خرداد مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران تجمع کردند

تجمع اعتراضی کارکنان قرارداد مدت موقت در اعتراض به مصوبه ضد کارگری هیات وزیران در افزایش ۱۰ درصدی حقوق است

تجمع کنندگان شعار می دهند: «نه کارگریم نه کارمند زندگیمون هدر رفت

تظاهران بازنشستگان تامین اجتماعی در چندین شهر

بازنشستگان برای اعتراض به تعلل دولت در افزایش مستمری های شان یکشنبه این هفته نیز به خیابان آمدند

به غیر از رشت، بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای، تهران، کرمان، تبریز، اهواز، قزوین، کرمانشاه، شوش، شوشتر و ایلام نیز از شهرهایی هستند که امروز یکشنبه اول خرداد بازنشستگان در آنها تظاهرات کردند

معترضین خواستار افزایش حقوق، درمان رایگان و اجرای قانون همسان سازی و پرداخت بدهی نجومی دولت به صندوق تامین اجتماعی هستند



درخواست برای اخراج نمایندگان حکومت اسلامی از هیأت مدیره سازمان جهانی کار

حکومت اسلامی برای خاموش کردن صدای اعتراضات گسترده اجتماعی فعالان اجتماعی را به بند کشیده و خود یک هیأت ۴۳ نفره شامل مقام‌های دولتی، نمایندگان مجلس، کارفرمایان و «نمایندگان کارگری» تشکیل‌های حکومتی را به ژنو اعزام کرده است. در مقابل، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و چند تشکل مستقل صنفی دیگر طوماری خطاب به هیأت‌های نمایندگی شرکت‌کننده در کنفرانس به‌ویژه نمایندگان تشکلهای کارگری تهیه و از آنها خواسته‌اند به دلیل عدم اجرای مقابله‌نامه‌های سازمان جهانی کار و نقض حقوق اولیه کارگران در ایران، خواستار اخراج حکومت اسلامی از هیأت مدیره سازمان جهانی کار شوند.

اعتصاب کارگران شرکت کیانپور در بوشهر

کارگران شرکت کیانپور در سایت یک پتروشیمی بوشهر با خواست پرداخت مطالبات پرداخت نشده ۳ ماه گذشته، افزایش ۲۸ درصد به دستمزد و اجرای توافقات عملی نشده سال گذشته خاصه ۱۰ روز مرخصی در مقابل ۲۰ روز کار پیوسته اعتصاب کردند.

کارفرمایان تصور می‌کردند با زیر پا نهادن توافقاتی که در هنگام اعتصاب سراسری سال گذشته شرکت‌های نفتی با کارگران انجام داده‌اند می‌توانند زیر تعهدات خود بزنند. کارگران با انجام اعتصاب دوباره به مقابله با این عهد شکنی برخاسته‌اند.

اعتصاب کارگران پروژه‌ای در پتروپالایش

کارگران پروژه‌ای شاغل در پتروپالایش کنگان روز گذشته دوباره با خواست افزایش ۲۸ درصد به دستمزدهای خود اعتصاب کردند. اعتصاب ۵ خرداد در واقع به علت خلف وعده کارفرما که در اعتصاب قبلی به کارگران داده بود شکل گرفت. تقاضای ۳۸ درصد افزایش دستمزد در واقع رقمی است که شورای عالی کار تعیین کرده. با اینکه این رقم با خواسته کارگران فاصله زیادی دارد، اما کارفرمایان از پرداخت آن طفره می‌روند و به منشا یک رشته اعتراضات تازه تبدیل شده است.

کشته شدن ۳ کارگر کارخانه مقوا سازی در اثر گازگرفتگی

کارگران جان باخته در کارخانه مقوا سازی پانولی در شهرک صنعتی سپهرآباد واقع در شهرضا کار می‌کردند

۵ کارگر دیگر نیز در جریان این حادثه شغلی مسموم شدند

علت حادثه عدم رعایت اصول ایمنی و بهداشت توسط صاحب کارخانه بوده است

از مبارزه معلمان برای آزادی فعالین صنفی از زندان حمایت کنیم!

همه با هم برای آزادی کارگران، معلمان و کلیه زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!



ادامه بازداشت رضا شهبابی و حسن سعیدی دوتن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و آنیشا اسدالهی و کیوان مهتدی از حامیان طبقه کارگر در پی سناریو سازی ها و اتهامات واهی جهت سرکوب اعتراضات معلمان و کارگران



معلمان در زندان



تظاهرات ضد حکومتی مردم در آبادان و چند شهر دیگر

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>